



عبدالاحمد فیض

ممنوعیت دین اسلام در انگولا، نقض فاحش حقوق بشر

درین نوشته از نقض یکی از مهمترین عرصه حقوق بشری یعنی آزادی عقیده و مذهب در کشور یاد دهانی میگردد، که در مرکزی ترین بخش جنوبی قاره افریقا موقعیت داشته و چند دهه قبل از فروپاشی استعمار پرتگال زاده شد. این کشور انگولا است که تاریخ چندان درخشانی در مبارزه ازادیخواهانه علیه استعمار را در کارنامه اش ندارد و درست زمانی به استقلال سیاسی دست یافت که دولت استعماری پرتگال در نتیجه یک کودتای مسلحانه در سال (۱۹۷۴) میلادی سرنگون شده و دیگر گونیهای پدید آمده ناشی ازین قیام مسلحانه موجبات تضعیف حاکمیت آن کشور را بمثلاً به یک قدرت استعماری فراهم نمود و چنان فضای سیاسی مساعد بوجود آمد که روند جنبشها و مبارزات آزادی خواهی مستعزات افریقای انگولای آن کشور که بخشهای وسیع جنوب قاره افریقا منجمله انگولا را احتواء میکرد، تسریع گردد. لذا در همین مقطع تاریخی بود که انگولانیزد در میان موج عظیم و گسترده اختلافات و مناقشات داخلی، با پیروی از الگوی مقاومت ضد استعماری در کشورهای پیرامون، بسوی رهای از سلطه استعمار قدم برداشته و در یازدهم نومبر سال (۱۹۷۵) میلادی از اشغال پرتگال ازاد و بحیث کشور مستقل اعلام موجودیت نمود.

دولت جدید که ظاهراً به اساس اتحاد ملی بعد از یک دوره طولانی منازعات داخلی درین کشور شکل گرفت، بلا درنگ قانون اساسی جدید را تدوین و تصویب نموده که ایجاد نظام دموکراتیک، تامین عدالت، توسعه و انکشاف اجتماعی، احترام به آزادیهای فردی منجمله آزادی عقیده و بیان و سایر ارزشهای مندرج در اعلامیه حقوق بشر در آن گنجانیده شده و در برابر دولت جدید که بیشتر به سمت چپ متمایل بود. بمثابه بزرگترین مسوولیت تاریخی و ملی قرار گرفت. جمهوری انگولا دارای هجده میلیون جمعیت بوده که (۹۵) درصد آنها را مسیحیان و (۵) فیصد دیگر را ادیان دیگر از جمله مسلمانان که تعداد ایشان به نود هزار تخمین میگردد، بعنوان اقلیت دینی تشکیل میدهند. اقلیت

مسلمان در انگولا وارثان مهاجرانی خوانده می شوند که درگذر زمان از کشورهای اسلامی همسایه و بخصوص لبنان وارد این کشور گردیده و کسانی هستند که در تمام مراحل دشوار منا زعات داخلی و نبردهای خونین میان اقوام ، پیوسته نقش بیطرف داشت و هیچگاهی بعنوان بخش از مشکلات و بحران در آن کشور متبارز نگردیده است.

بر بنیاد گزارشات خبری برخی رسانه های بین المللی از جمله خبرگزاری اسپوتنیک و بتاسی از نشریه ((کانسرواتیف پست)) دولت انگولا در یک اقدام غیرمنتظره و وقیحانه با صدور فرمانی ، دین اسلام و انجام منا سک دینی اقلیت مسلمان ان کشور را ممنوع اعلام نموده و هکذا وزارت فرهنگ ان کشورتوظیف گردیده است که مساجد و عبادتگاه های مسلمانان را تخریب نماید.

روزه ادوار دودوش سانتوس ریس جمهور انگولا در پیوند باین موضوع با سفاهت ابراز داشته است که انها با این اقدامات ، جلو گسترش و نفوذ اسلام را سد گردیده است و هکذا وزیر فرهنگ انگولا ، دلیل مبنی بر غیر قانونی ساختن دین اسلام در ان کشور را ، تلاشهای خطرناک نامید که از اقلیت مسلمان در زمینه راه اندازی فرقه گرائی و توسل به بنیادگرائی و افراطیت در انگولا متصور است.

من به این باور هستم که سرمداران انگولا از مسولیت های بین المللی خویش مبنی بر رعایت حقوق و آزادیهای مذهبی و سایر معیارهای الزامی حقوق بین المللی یا آگاهی نداشته و یا اینکه به هنجارهای جهانشمول اعتنای ندارند، که اینک به تبیین همه جانبه موضوع تخطی ها از حقوق و آزادیهای مدنی و سیاسی، و آزادیهای اعتقادی و مذهبی اقلیت مذهبی در انگولا در چهارچوب معیارهای جهانشمول پرداخته میشود.

پراگراف سوم ماده اول و بند (ج) ماده (۵۵) منشور ملل متحد چنین حاکیست: **((کلیه دولتهای عضو سازمان ملل متحد بر رعایت حقوق بشرو آزادیهای اساسی برای همه ، بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس ، زبان و مذهب مکلف است .))** بدین اساس اقلیتهای مذهبی در قلمرو دولتهای عضو ملل متحد در پرتو اصل عدم تبعیض و برابری از حمایت حقوق بین المللی برخوردار گردیده و این پرنسیپ نمایانگر است که شالوده نظام حمایت از اقلیتهای نژادی و مذهبی بوضوح بر بنیاد عدم تبعیض در نظام بین المللی پایگذاری گردیده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر سال (۱۹۴۸) میلادی داشتن اعتقاد، ایمان ، پیروی از مذهب و یا عدم انرا از معیارهای فوق العاده ارزشمندی تعریف مینماید که بطور مشخص در چهارچوب حقوق انسانی مطرح میگردد، این حقوق مجموع از نورمها و معیارهای را حاوی است که بدون تردید محصول حقوق طبیعی پنداشته و بشریت از بدو خلقت انرا کسب مینمایند. لذا بر پایه این تیوری ، حقوق بشر منجمله ازادی عقیده و باورها دستاورد حقوق موضوعه یا مدون نبوده که قانونگذار و یا دولتها انرا به همنوعانش به هبه گذاشته باشد ، بلکه بر عکس دولت چون اعمال کننده قدرت و نهادهای قانونگذاری بمثابة ابزار برای ایجاد بسترهای حقوقی تعمیم قدرت حاکم ، ملزم بر رعایت بدون چون و چرا زارزشهای حقوق بشری است.

مواد (۱۸) الی (۲۱) میثاق حقوق بشر بیشتر حاوی احکامی است که حقوق و آزادیهای مذهبی و اعتقادی را تضمین مینماید ، چنانچه در ماده هجدهم چنین میخوانیم **((هر کس حق دارد ازادی اندیشه ، وجدان و دین بهره مند گردد. این حق مستلزم ازادی اعتقاد بدین و یا عدم ان در قالب آموزشهای دینی ، عبادات ،**

اجرای ائین دینی بصورت فردی و جمعی میباشد.)) و هکذا ماده دوم میثاق مذکور حاوی احکام ذیل است: ((هر فرد بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از دید نژاد ، مذهب ، زبان ، اعتقاد سیاسی ، وضعیت اجتماعی ، ثروت و غیره از تمامی حقوق ، آزادیها و امتیازات این میثاق برخوردار میگردد)).

قابل ذکر میدانم که وجایت و تکالیف ناشی از اعلامیه حقوق بشر که بزرگترین دستاورد جامع بشری خوانده میشود متأسفانه بیشترین و اجد کرکتر توصیوی و فاقد نورمهای الزامی است و ازینرو بود که در فاصله میان سالهای (۱۹۴۸) الی دهه شصت دولتها و نیز افراد در نقض نورمهای حقوق بشری دست باز داشته که این خود زمینه های گسترده از تخطی هارا فراهم نموده بود ، فلهذا بمنظور ایجاد تضمینات موثر حقوقی و الزامات ضروری مبنی بر رعایت و تطبیق بلا انحراف مفاد منشور حقوق بشر ، کانوانسیون حقوق و مدنی و سیاسی و کانوانسیون حقوق اقتصادی و اجتماعی در (۱۶) دسامبر (۱۹۶۶) در ژنیوه تصویب رسید که بر مبنای اصول مشمول این دومیثاق جهانی ، ارزشهای مندرج در اعلامیه حقوق بشر و تحت الشعاع حقوق بین المللی عرفی به وجایب الزامی برای دولتها مبدل گردید ، که در ماده (۲۷) این میثاق چنین میخوانیم : ((در کشورهای که اقلیت های مذهبی ، نژادی و زبانی زیست دارند ، از حق بهره مندی از فرهنگ ، ادای فرایض دینی برخوردار بوده و دولت میتواند تحت هیچ شرایطی آنها را ازین حقوق محروم سازند)).

بنابراین بناسی از مفاد و هدایات اسناد با اعتبار جهانی فوق ، آنچه در انگولا اتفاق افتیده است بیانگر نقض فاحش و انکار ناپذیر حقوق بشری است که مسوولیت دولت ورهبران سیاسی ان کشور در تخطی های گسترده از مفاد میثاق حقوق مدنی و سیاسی و پروتوکول الحاقی ان نیازی به تحقیق و ادله اثباتی نداشته و دولت انگولا خود به حرمان از حقوق مذهبی اقلیت مسلمان در ان کشور با مباحثات اذعان داشته است.

لازم به یاد دهانی است که میثاق حقوق مدنی و سیاسی در جنب احکام الزامی مبنی بر رعایت حقوق مذهبی اقلیتهای دینی ، حاوی احکامی در فقره سوم ماده (۱۸) بوده که بمثابة یک استثناء و بر بناد اصل ارجگذاری بحق حاکمیت دول در اختیار دولتها قرار گرفته است و دولتها حق می یابد تا در موارد خاصی از ان در محدودیت مذهبی استفاده نمایند و این موارد استثنائی عبارتند از:

الف - منع و محدودیت مذهبی بعلت صیانت و پاسداری از منافع و مصالح عمومی .

ب - محدودیت بمطور حفظ اخلاق عامه و حقوق و آزادیهای دیگران .

این موضوع چون یک قاعده استثنائی در بند هشتم نظریه تفسیری شماره (۲۲) کمیته حقوق بشر ملل متحد نیز مورد تاکید قرار گرفته است مشروط بر اینکه چنین اقدامات بدون تساهل ، تبعیض ، تهدید حق دیگران در قانون تجلی یافته و در خدمت اهدافی چون منافع و مصالح عامه باشد و هکذا ماده (۲۰) تبلیغ برای جنگ و دفاع از نفرت مذهبی که سراغ از خصومت و خشونت است (تفرقه گرایی) ممنوع نموده و بدولت بحیث مدافع منافع عمومی صلاحیت میدهد به غیر قانونی بودن یک دین معین در محدوده ای جغرافیائی خود عمل نماید.

لذا زیاد محتمل به نظر میرسد که سردمداران لوندنا به اتکا و با سواستفاده از صراحت‌های فوق نقض حقوق بشری یعنی غیرقانونی ساختن دین اسلام رادرکشورشان توجیه حقوقی نماید ، اما بیاد باید داشت که انگولا هیچگونه مدارک حقوقی مبنی برخشنونت دینی ویا تبلیغ برای جنگ را ازیک مسلمان صدهزاری دربرابریک اکثریت مذهبی نودوپیچ درصدی مسیحیان دراختیارنداشته که سالها ی درگیریهای داخلی دران کشور بدون شرکت مسلمانان موید این ادعاست.بنابراں آنچه درانگولا علیه حقوق حقه ای اقلیت مسلمان صورت گرفته ویا درحال انجام است ، نقض وتضییع ظالمانه حقوق بشری مظلومانی است که در معرض تساهل ، تبعیض مذهبی و تضییع حقوقی انسانی قرارگرفته است . بنابراین درین وضعیت خاص نقض حقوق بشری ، برشورا یاکمیته حقوق بشر ملل متحد ، فدراسیون وکمیساری عالی دفاع ازحقوق بشر است تا موارد اشکارنقض حقوق بشری درانگولا را مورد رسیدگی قرار داده ودراقا مه دعوی قضائی علیه دولت انگولا شهروندان ان کشوررا که در معرض نقض فاحش حقوق انسانی قرارگرفته اند یاری خواهندرسانید ودرغیراینصورت موقف دوگانه نها دهی مدافع حقوق بشر وبخصوص کمیته حقوق بشرملل متحد درقبال بررسی تخطی های حقوق انسانی عدم کارائی این نهادهای جهانی را درافکارعامه بین المللی تداعی وازاعتبار انها بمائبه ارگانهای مستقل خواهند کاست.

<http://www.hoqooq.eu>